

۱. گزینه ۱

بنابر جمله انتهایی پاراگراف اول، «از نظر راجرز و مزلو چگونگی پدید آیی/این گرایش و شدت آن به اندازه نیرویی که بر سر راه این گرایش به وجود می آید و موجب وقفه آن می گردد، اهمیت ندارد»، در نتیجه به دلیل اهمیت کمتر، درباره «چگونگی پدید آمدن گرایش» توضیحی داده نشده است.

✖ گزینه ۲: در پاراگراف های دوم، سوم و چهارم درباره عوامل رشد دهنده خود شکوفایی (توجه مثبت غیرمشروط) و عوامل بازدارنده آن (خویشتر پذیری و توجه مثبت مشروط) توضیح داده شده است.

✖ گزینه ۳: در پاراگراف سوم درباره نمود گرایش به خود شکوفایی در رفتار فرد توضیح داده شده است.

✖ گزینه ۴: در پاراگراف دوم درباره ارتباط یادگیری اجتماعی، روابط بین فردی و تجربه های آموخته شده دوران کودکی - که همگی تجربیات فرد را در زندگی شکل می دهند - با گرایش به خود شکوفایی توضیح داده شده است.

۲. گزینه ۲

✓ ۱. درست است؛ بخش اعظم پاراگراف اول درباره درونی بودن گرایش به خود شکوفایی صحبت می کند و در نهایت در سطر ۱۱ و ۱۲ بیان می کند که: «اصل خود شکوفایی ... ژنتیکی و سرشتی است». سپس، در پاراگراف دوم، عوامل بیرونی مؤثر بر این گرایش مانند: یادگیری اجتماعی، روابط بین فردی و تجربه های آموخته شده دوران کودکی را توضیح می دهد.

✓ ۲. درست است؛ در ابتدای پاراگراف آخر آمده است: «راجرز ... معتقد است که مکانیزم های دفاعی ... بیش تر باعث اختلال در تعادل نیازها می گردند» که نشان دهنده تاثیر منفی بر تحول خود شکوفایی است.

✖ ۳. نادرست است؛ در پاراگراف دوم آمده است: «راجرز معتقد است که تجربه های آموخته شده دوران کودکی بر تحول روانی تأثیر می گذارند».

۳. گزینه ۱

پاراگراف چهارم درباره توجه مثبت مشروط که در پاراگراف سوم به آن اشاره شده است، توضیح بیشتری ارائه می کند.

✖ گزینه ۲: در پاراگراف چهارم، هیچگونه مثالی ذکر نشده است.

✖ گزینه ۴: در پاراگراف چهارم، استثنایی ذکر نشده است.

✖ گزینه ۳: در پاراگراف چهارم هیچگونه مخالفتی با پاراگراف سوم مطرح نشده است که نیاز به اصلاح یا تغییر موردی از آن باشد.

۴. گزینه ۳

اهمیت گرایش به خود شکوفایی در فهم رفتار انسان، به طور منطقی از متن نتیجه گیری می شود.

✖ گزینه ۱: در پاراگراف دوم (سطر ۳۵) آمده است: «در چنین شرایطی گرایش به خود شکوفایی در جهت تحول عمل می کند؛ زیرا برداشت فرد از خود با واکنش دیگران سازش دارد». اما در این گزینه کلمه «واکنش» به «برداشت» تغییر پیدا کرده است.

✖ گزینه ۲: شاید بتوان براساس دو جمله «... فرد بدون اینکه حالت دفاعی داشته باشد، از آزادی عمل برخوردار است ...» و «... مکانیزم های دفاعی برای سازش و فایق آمدن بر مشکلات ضرورت ندارند ...» نتیجه گرفت که افراد خود شکوفا بدون داشتن حالت دفاعی بر مشکلات خود غلبه می کنند، اما بی اهمیت پنداشتن مشکلات از هیچ بخشی از متن برداشت نمی شود.

✖ گزینه ۴: در پاراگراف دوم آمده است: «... در این شرایط فرد بدون/این که حالت دفاعی داشته باشد، از آزادی عمل برخوردار است و می تواند خویشتر پذیرایی را تغییر دهد و تحول یابد».

۵. گزینه ۴

در ابتدای متن آمده است: «براساس نظر راجرز و مزلو گرایش انسان این است که پتانسیل بالقوه خویش را توسعه دهد» و در پاراگراف های دوم و پنجم درباره نظرات راجرز توضیحاتی ارائه کرده است؛ بنابراین، در ادامه متن می تواند نظرات مزلو برای تکمیل نظرات راجرز توضیح داده شود.

✖ گزینه ۱: درباره ی نظریه انسان محوری یا انسان نگری تنها در پاراگراف اول اشاره ای شده است و نقشی در روند متن ندارد.

✖ گزینه ۲: نظر فروید برخلاف نظر راجرز است؛ بنابراین، منطقی تر است که دیدگاه های فردی موافق با راجرز یعنی مزلو که در ابتدای متن نیز به آن اشاره شده است، در ادامه بیاید.

✖ گزینه ۳: درباره این مورد در پاراگراف های سوم و پنجم توضیح داده شده است و نیازی به ادامه آن وجود ندارد.